

جمال الدین شیرازیان

شیخ مفید

-۳-

ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی معروف به ابن المعلم و ملقب به «مفید» (۱) از راسخین در علم کلام، فقه، روایت و حدیث و ارکان استوار معارف شیعه امامیه و بزرگترین شخصیت علمی که در قرن چهارم هجری قمری ظهور کرده است. وی از نوابقی است که نامش در زمره جاوید مردان علم ثبت گردیده و گردشان را هاله درخشانی از بزرگواری و شکوه مندی فرا گرفته است (۲).

صاحبان کتب رجال و تراجم احوال که شرح احوالات وی را نگاشته اند بر بزرگی قند و منزلت رفیع علوم انسانی و مطالعات فقهی او در فقه و کلام و مناظره معترفند و بر عدالت و وثاقتش در روایت و حدیث متفقند. او را رئیس رؤسای ملت شیعه امامیه

«ان العلماء هم ورثة الانبياء»

و فاتح ابواب تحقیق در ایراد ادله و براهین خواننده و ریاست کلیه شیعه را در آن عصر و زمان بدو منسوب دانسته اند. مفید از قافله سالاران دانش و معارف جعفری است که با آثارش ایان تقدیرش نسلهای بعد از خود را به سر منزل مقصود راه برده است. **مقام علمی:**

بسیاری از مؤرخان و دانشمندان فریقین در جلالت قدر و نباهت منزلت مفید داد سخن داده و مقام علمی او را ستوده اند: ابوالعباس نجاشی (متوفی ۴۰۵ هجری) که شاگرد مفید بوده. در کتاب رجال خود پس از آنکه نسب استاد را به یعرب بن قحطان می‌رساند گوید: «شیخنا و استادنا فضله

۲ و ۱ - در تاریخ اسلام چهار نفر به لقب مفید شهرت دارند (۱) محمد بن محمد بن نعمان البغدادی العکبری فقیه شیعه و استاد شریف مرتضی و سید رضی (۲) محمد بن محمد البصری شاگرد شریف مرتضی که به شیخ مفید نیز ملقب است (۳) محسن بن جهیم شاگرد محقق حلی که به مفیدالدین مشهور است (۴) علی بن عبدالرحمن بن احمد النیشابوری شاگرد شیخ طوسی. لیکن مفید عند الاطلاق محمد بن محمد بن نعمان است که در این مقاله در صدد بیان شرح احوالش می‌باشیم. ابوالعباس نجاشی شاگرد شیخ مفید نسب استاد را به ترتیب زیر به یعرب بن قحطان می‌رساند: محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام بن جابر بن نعمان بن سعید بن جبیر بن وهب بن هلال بن اوس بن سعید بن سنان بن عبدالدار بن الریان بن قطرب بن زیاد بن حارث بن مالک بن ریسه بن کعب بن حارث بن کعب بن غلثه بن خالد بن ملک بن ادبن زید بن یسحج بن غریب بن زید بن کهلان بن سباین یسحج بن یعرب بن قحطان (رجال نجاشی صفحه ۳۱۱).

اشهر من ان يوصف في الفقه والكلام والروايات والثقة والعلم...  
ابن النديم معاصروى در فهرست دو مرتبه از او نام برده  
است: «في عصرنا انتهت رياست متكلمي الشيعة اليه ، مقدم  
في صناعة الكلام على مذهب اصحابه ، دقيق الفطنة ، ماضى  
الخاطر ، شاهده و رأيتاه بارعاً» (۳).

شيخ طوسى در كتاب رجال در باب «ممن لم يرو عنهم  
عليهم السلام» ازوى چنین ياد کرده است: «... جليل ثقة..» (۴)  
همو در فهرس گويد: «... من جملة متكلمي الامامية ، انتهت  
اليه رياست الامامية فى وقته ، وكان مقدماً فى العلم و صناعة  
الكلام ؛ وكان فقيهاً ، متقدماً فيه حسن الخاطر ، دقيق الفطنة  
حاضر الجواب...» (۵)

ابن كثير شامى در تاريخ «البداية والنهاية» گويد :  
«عالم الشيعة و امام الرافضة ، صاحب التصانيف الكثيره ،  
المعروف بالمفيد و بابن المعلم ايضاً ، البارع فى الكلام  
والجدل والفقه ، كان يناظر اهل كل عقيدة بالجلالة العظمة  
فى الدولة البويهيه ، وكان كثير الصدقات ، عظيم الخشوع ،  
كثير الصلاة والصوم ، خشن اللباس . وكان عضد الدولة قربما  
زار الشيخ المفيد ، وكان شيخاً ، رباعاً ، نحيفاً ، اسمر ، عاشر  
سناً و سبعين سنة ، وله اكثر من مئتين مصنف . وكان يوم وفاته  
مشهوراً و شيعة ثمانون الفاً من الرافضة و الشيعة» (۶)

ابن جوزى در «المنتظم» ضمن بيان حوادث سال ۴۱۳  
هجري گويد ، «... شيخ الامامية و عالمها ، صنف على مذهبهم  
ومن اصحابه المرتضى ، وكان لابن المعلم مجلس نظر بداره

بدرج الرياح ، يحضره كافة العلماء ، وكانت له منزلة عند امراء  
الاطراف بميلهم الى مذهبه ، توفي رمضان هذه السنة و رثاه  
المرتضى... » سپس سه بيت از آن قصيده را نقل کرده  
است. (۷)

ابن حجر عقالانى در «لسان الميزان» شرح حال مفيد  
را چنین آورده: «... ابو عبد الله بن المعلم ، صاحب التصانيف  
البديعة ، وهى مئتا تصنيف ، له صولة عظيمة بسبب عضد الدولة  
و كان كثير النقشف و الاكباب على العلم ، تخرج به جماعة ، و  
برع فى المقالة الامامية حتى كان يقال : له على كل  
امام منة...» (۸)

نيز از جمله علمای اهل سنت كه شرح حال مفيد را  
آورده و مقام علمى او را ستوده اند ابن العماد حنبلى در  
«شذرات الذهب» (۹) و ذهبى در «ميزان الاعتدال» (۱۰)  
را مى توان نام برد.

ابو حيان توحيدى معاصر مفيد در باره وى گويد :  
« و اما ابن المعلم فحسن اللسان و الجدل ، صبور على الخصم ،  
كثير الحيلة ، ضنين السرو و جميل العلانية » . (۱۱)

**منشأ اجتماعى :**

شيخ مفيد به سال ۳۳۶ يا ۳۳۸ هجري قمرى در  
مجله اى از شهر عكبرى (۱۲) به نام «سويق ابن البصرى»  
ديده به جهان گشود ، پدرش در آن شهر به شغل معلمى اشتغال  
داشت از اينرو شيخ مفيد به ابن المعلم نيز شهرت يافت . نسب  
مفيد تا شش نسل به سعيد بن جبير (۱۳) مى رسد شيخ مفيد

- ۳ - فهرست ابن النديم صفحه ۳۶۶ طبع مطبعة الاستقامة قاهره و صفحه ۲۹۳ همان چاپ .
- ۴ - رجال شيخ طوسى صفحه ۵۱۴ چاپ نجف سال ۱۳۸۱ هجري قمرى .
- ۵ - فهرس شيخ طوسى صفحه ۱۵۸ چاپ نجف اشرف سال ۱۳۵۶ هجري قمرى .
- ۶ - فهرست صفحه ۲۷۹ و ۲۵۲
- ۷ - المنتظم جلد ۸ صفحه ۱۱
- ۸ - لسان الميزان جلد ۵ صفحه ۳۶۸ چاپ حيد آباد دكن .
- ۹ - شذرات الذهب صفحه ۱۹۹ جلد ۳ .
- ۱۰ - ميزان الاعتدال جلد ۴ صفحه ۲۶ چاپ مصر سال ۱۳۸۲ ه . و صفحه ۳۰ همان كتاب .
- ۱۱ - الانتاج و المؤلفات ج ۱ صفحه ۱۴۱
- ۱۲ - عكبرى بر وزن پريها قريه ايست از قراه بغداد درده فرسنگى آن (معجم البلدان جلد ۶ صفحه ۲۰۳) .
- ۱۳ - سعيد بن جبيرىكى از تابعان است كه به دست حجاج بن يوسف بقتل رسيده است .

مقدمات علوم و معارف اسلامی را در عکبری و بصره نزد پدر خود و دیگر استادان آن دیار آموخت و سپس به اتفاق پدر به بغداد رفت. بغداد در آن روزگار مرکز مهم علم و فرهنگ اسلامی بود، و مفید در آن معهد بزرگ دانش و فرهنگ به درك مجلس درس بزرگان و دانشمندان آن دیار نایل گردید و در محضر دانشمندان نظیر: شیخ ابو عبدالله حسین بن علی معروف به جعل و علی بن عیسی الرمانی و دیگر استادان که بر پنجاه افزون بوده اند پرورش یافت و درك فیض نمود.

شیخ مفید نزد پادشاه دیلمی معاصر خود «عبدالدوله» ابهت و احترامی خاص داشت چنانکه ابن حجر عسقلانی در «لسان المیزان» آورده: «... عبدالدوله چندین بار برای زیارت او به خانهاش رفته، و هر گاه که مفید بیمار می شد از اوعیادت می کرد.»

مفید در هفتاد و شش با هفتاد و هفت سالگی در شب سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ هجری قمری وفات یافت و جنازه او با نهایت احترام در بقعه کاظمیه کاظمین به خاک سپرده شد. و بنا بر نقل مورخان و وقایع نگاران در تشییع جنازه وی قریب هشتاد هزار نفر شیعه شرکت جستند. در رثاء وی سید مرتضی و مهیار دیلمی هر یک قصایدی سروده اند که در دیوان آنها به چاپ رسیده است و شرح آن بزرگداشت در اکثر کتب معاجم رجال و تراجم احوال و همچنین در طریق اجازات بتفصیل ذکر گردیده است.

### اوضاع اجتماعی بغداد در زمان مفید:

شیخ مفید در نیمه اول قرن چهارم هجری قمری، یعنی درست در فترتی که مملکت اسلامی در دوره عباسی بدان دچار گشته و از هر گوشه دولتهای کوچک علم طغیان و عصیان برافراشته بودند، دیده به جهان گشود.

زمانی که از هم گسیختن شیرازه امپراطوری خلفای عباسی آغاز می شد. سرزمینهای فارس، ری، اصفهان و قهستان در دست آل بویه؛ کرمان در دست محمد بن الیاس؛ موصل

و شام در دست محمد بن طغج الاخشید؛ دیار مغرب و آفریقا در دست فاطمیین؛ آندلس در دست امویان؛ خراسان در دست سامانیان؛ اهواز و واسط و بصره در دست بریدیان؛ یمامه و بحرین در دست قرمطیان؛ طبرستان و گرگان در دست دیلمیان اداره می شد و جز بغداد و حوالی آن برای خلیفه عباسی باقی نمانده بود ولیکن هنوز سایه ای از سیادت خلیفه بر سر این دولتهای کوچک جدا از یکدیگر نمایان بود و آن حکومتها بر سیادت عالیّه امپراطوری اسلامی خلفای عباسی معترف بودند و در مساجد و نماز جمعه خطبه به نام خلیفه مسلمین می خواندند و سکه دینار و درم بنام اومی زدند، از دو منشور حکومت دریافت می داشتند.

در آن زمان دولت آل بویه را بر بغداد سیطره ای تمام بود و در حقیقت پادشاهان بویهی در تعیین مقدرات مرکز حکومت خلیفه مؤثر بودند، خلیفه در دست آنان پیکره ای رامی ماند که هر گونه اراده می کردند وی را بر انجام آن وامی داشتند و بدست آنان عزل و نصب میشد.

این فتور و ضعف حکومت خلفای عباسی و سیطره آل بویه بر خلفا ثمره دست یافتن شیعه امامیه بر بغداد پایتخت حکومت و مرکز مهم علمی را ببار آورد، و در نتیجه از هر حیث امکانات بیشتری برای نشر عقاید مذهبی مانند سایر فرق بازشد، بازار مجادلات و مناظرات علمی و فرهنگی بشکلی بی نظیر رواج یافت.

و مخصوصاً شیعیان که تا آن زمان از جانب خلفای عباسی و عاملان آنان شدت و خشونت بسیار دیده بودند و در زیر فشار مراقبت و تفتیش افکار حکام و عمال عباسی بشکل ناهنجاری بسر میبردند، چنانکه اگر فردی از آنان رأی و عقیده ای برخلاف معتقدات جمهور اظهار می نمود کیفر او حتماً اعدام بود، در چنین شرایط جانی تازه یافتند و نسیم خوش آزادی را استشمام کردند و توانستند آراء و معتقدات خود را آزادانه آشکار سازند.

پادشاهان آل بویه به شیعه توجه خاص داشتند و مسجد

برائۀ در منطقه کرخ بغداد را به شیخ مفید اختصاص دادند که در آنجا به برپا داشتن نماز جماعت و مجالس وعظ و تبلیغ پردازد و تعلیمات مذهبی خود را به مردم بیاموزد، بدین ترتیب شیعیان گرد او فراهم آمدند و مفید در جمع بین عقاید و آراء شیعه اهتمام فراوان ورزید زیرا ایشان را فرقه های مختلف بود از قبیل: غلاة، اسماعیلیه و زیدیه و فرق دیگر و هر يك آراء و عقاید مخصوص داشتند که مابین عقاید دیگر فرق بود.

مفید با تعالیم خود این تفرق را از میان فرق شیعه برداشت و جمله آنان را به طریق حق راهبر گردید و کشتی شیعیان را به ساحل رشاد قیادت کرد.

امتیاز قرن چهارم نسبت به سایر قرون در آنست که در این قرن متفکرین و دانشمندان نابغه ای پرورش یافته و به علم و فلسفه اسلام جان بخشیده اند تا جایی که می توان گفت این قرن از لحاظ جنبش علمی و فکری و فلسفی بازرترین قرون اسلامی پیش از خود بشمار می آید. و کفایت بدانیم که قرون چهارم به تنهایی بیش از تمام قرون پیشین اسلامی بزرگان علم و فلسفه در خود پرورش داده است و جمع بسیاری از دانشمندان مبرز علم، فلسفه، کلام و فقه در این دوره می زیسته اند از قبیل ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی فلکی مشهور (۲۹۱ - ۳۷۶ هـ) ابوالوفای بوزجانی ریاضی

ان معروف (۳۳۸ - ۳۹۸ هـ) ابوالقاسم علی بن احمد المجتبی انطاکی (متوفی به سال ۳۷۶ هـ) وی در علم هندسه و اعداد نابغه بوده است؛ ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰) فیلسوف شهیر ابوعلی سینا (۳۸۱ - ۴۲۸ هـ) ابوالحسن عامری حکیم نامی (متوفی ۳۸۱ هـ) و ابو عبدالله حسین بن علی بن ابراهیم معروف به کاغذی و ملقب به جعل یکی از بزرگان معتزله به سال ۳۹۹ هـ) و ابن الاکفانی و ابو حامد اسفراینی یا اسفزاری و علی بن عیسی الرمانی از بزرگان معتزله و از دانشمندان علم کلام؛ ابوحیان توحیدی متفکر و ادیب مشهور (متوفی ۳۸۰) قاضی عبدالجبار بن احمد همدانی شیخ

معتزله (متوفی ۴۱۵ هـ) و ابوالحسن بصری محمد بن علی بن طیب (متوفی به سال ۴۳۰ هـ) و باقلانی ابوبکر محمد بن طیب بن قاسم بصری (از شیوخ اشاعره است که در سال ۴۰۳ هـ وفات یافته است) و دیگر بزرگان آن دوره که این مقاله گنجایش ذکر نام همه آنها را ندارد.

و اکثر این دانشمندان در بغداد پایتخت علم و فرهنگ آن روزگار میزیستند.

یکی دیگر از وجوه امتیاز این عصر آنست که بنا بر گواهی تاریخ اسلام در این دوره بیش از ادوار سابق بحث و تحقیق و مناظره و جدل در اطراف احکام و قضایای دینی و مذهبی رواج یافت و در نتیجه جنبشهای فکری و فرهنگی بظهور پیوست. و بیش از دیگر فرق این درگیری به صورت جدال بین معتزله و اشاعره شکل گرفت بویژه که در میان هر يك از این دو مذهب پیشوایانی مبرز در علم کلام پیدا شده بودند شیعه جعفری در بین این دو مذهب نیروی سومی را فراهم میآورد و مرکز ثقل علمی و فکری محسوب و از سایر مذاهب از نظر گاه نحوه تفکر و بررسی مسائل دینی نیرومندتر بود. ابو عبدالله مفید در آن عهد زعامت تامه این نیرو را

بر عهده داشت و بر او، که به حق مغز متفکر شیعه بشمار میرفت واجب بود که در این نزاع شدید فکری شرکت جوید بنابراین مساعی خود را بکار برد و نیروی فکری شیعه را بسیج نمود و با اهل کلیه عقاید (همانگونه که ابن کثیر شامی گفته است) مناظره کرد و بنا بر اجابت خواسته و نیاز آن عصر و زمان به تقریر عقاید خود و مناظره و جدل با دیگر مذاهب پرداخت در نتیجه مؤلفات ارزجمندی که بر دو دست تألیف افزون است بوجود آورد. لیکن تنها مساعی او در راه بوجود آوردن این آثار گرانبها مقصور نگشت بلکه بیشتر اوقات به مناقشات و مناظرات در مجالسی که آن عهد به منظور ایضاح موضوعات و احکام دینی و کلامی و گاهی هم برای قضایای فکری و تحقیقی خاص که با امور دینی ربطی نداشت میپرداخت و نمونه ای از این مباحث را در کتب ادبی و دینی

وتاریخی که در آن زمان تألیف شده است میتوان یافت .  
مثلاً در کتاب «الفصول المختاره» و «اوائل المقالات» و «کنز  
الفوائد» و دیگر کتب نمونه بارزی از اینگونه مناظرات  
مشاهده میشود.

از تمامی آن آثار و تألیفات شخصیت علمی و دینی مفید  
بخوبی آشکار میگردد که وی اثری عمیق و همتی بلند و  
منطق و حجتی نیرومند داشته و با استفاده از این نیروی  
خدادادی بر حریفان و مناظره کنندگان خود چیره میشود  
و آنان را به تسلیم و امیداشته و بسختی بردشمنان و مجادله  
کنندگان خود میناخته و آنان را مرعوب میساخته است.  
وی در مناظرات خود بایمانی بلیغ و شیوا و حاضر -  
جوابی خاص خود بر گروههای بسیاری غالب میآمده و  
بانرویی منطق و برهان بینظیرش آنان را اقناع نمیکرده و  
تشیع را به ایشان میقبولانده است.

در این باره ابو حیان تلمیحی دارد که : «ابن المعلم  
خوش زبان بود و از عهده جدل نیکو بر میآمد، بر خصم  
شکیبا بود. راز را در سینه پنهان میداشت و آن را خوب  
آشکار میساخت» و خطیب بغدادی گوید (۱۴): «اگر مفید  
بخواهد برای خصم برهان آورد که جنس این ستون چوبی  
از زراست میتواند ..»

### آراء و عقاید مفید :

شیخ مفید با آراء و عقاید و تفکرات دینی خود در  
نظرات مذهبی شیعه تجدید نظری بوجود آورده است و از  
اینجاست که وی را مجدد مذهب شیعه امامیه دانسته اند .  
زیرا بعد از آنکه علمای شیعه نصوص و اکثر احادیث را  
بدون تأویل و توسع میپذیرفتند میبینیم که شیخ مفید از اولین  
دانشمندانی است که به منطق فکر مجرد و آزاد علمی اعتماد  
می کند. او در زمانی میزیست که تنها سند معتبر علمای شیعه

بعد از قرآن و سنت، اخبار و احادیث بوده که در تألیفات  
عقیده ای و مذهبی خود بدان استناد می کرده اند. اگر بسیاری  
از کتب و مؤلفات شیعه را که پیش از مفید در موضوعات و  
مسائل کلامی نگاشته شده است بررسی کنیم در میابیم که  
غالباً از آن نصوص پا فرانگذاشته و آنها را به محاکمه نقد عرضه  
نکرده و بدون چون و چرا میپذیرفته اند چه بسیار است  
آنچه شیخ صدوق در کتاب «التوحید» و پیش از وی کلینی  
در «اصول کافی» آورده اند، این مطلب را به شکل آشکارا میبینیم  
اما مفید از این نظر مجدد آراء عقاید مذهبی است که نصوص  
را با شجاعت به محاکمه فکر مجرد و آزاد میخواند و به بازار  
نقد عرضه میکند و از آن حکمی متقن و متین استخراج  
مینماید .

بنابر این مفید اولین مجدد و مذهب اصول مذهب در  
پرتو فکر و نقد میباشد و نمایشگر افکار آراء پاک و مصفای  
شیعه است. و نمونه های بسیاری از این روح منطقی و آزاد  
اندیشی مفید را میتوان در دو کتاب وی به بنام «اوائل -  
المقالات» و شرح وی بر «عقائد الصدوق» آشکارا مشاهده  
نمود.

اما مفید را در مناظراتش شیوه ای خاص و ممتاز است  
و از تمامی آنها سایه هوشیاری و وسعت افق فکری نمودار است  
و چاشنی از دور اندیشی و دقت نظر و حاضر جوابی در آنها  
کاملاً مشاهده میگردد و بسیاری از مناظرات وی را در کتاب  
«الفصول المختاره» میبینیم که عبارت دارد بر تسلط وی و  
افق فکری و علمی او، همانگونه که بعضی از نیروی منطق  
و شمول فرهنگی وی را در کتاب «کنز الفوائد» کراچکی  
مشاهده میکنیم.

### سبب تسمیه مفید :

از کتب رجال که شرح احوال وی را نگاشته اند چنین

مستفاد است که این لقب را دو کس به شیخ نسبت داده اند :  
اول حضرت ولی عصر صاحب الزمان مهدی موعود علیه  
السلام چنانکه ابن شهر آشوب در معالم العلماء تصریح کرده  
است (۱۵) .

دوم اسنادوی علی بن عیسی الرمانی و سبب آن بوده  
است که شیخ مفید در نخستین مرتبه که به مجلس درس علی بن  
عیسی وارد شد مردی از اهل بصره برخاست و از رمانی پرسید  
از موضوع خبر غدیر خم و حدیث غار؟ رمانی پاسخ گفت  
گفت: « حدیث غار درایت است و خبر غدیر خم روایت. و  
روایت را منزلت درایت نباشد، » با این جواب آن مرد بصری  
قانع شد و از مجلس بیرون رفت.

چون مجلس درس به پایان رسید و از حاضران قدری  
سبک شد شیخ مفید نزد رمانی رفت (گویند تا آنوقت رمانی  
شیخ را ندیده بود و او را نمی شناخت) و از وی پرسید در  
باره کسی که با امام عادل یا خلیفه مسلمین به مقاتله برخیزد  
چه میگوید؟ رمانی پاسخ داد چنین شخصی کافر است؛ سپس  
استدراک کرد و گفت فاسق است . شیخ پرسید درباره علی  
ابن ابیطالب و روز جنگ جمل که طلحه و زبیر با او بمقاتله  
پرداختند چه می گوئی؟

رمانی پاسخ داد آن دو تن (یعنی طلحه و زبیر) توبه  
کردند . شیخ گفت : اما خبر جمل درایت است و توبه  
روایت. بنا بر پاسخی که بدان بصری دادید روایت را منزلت  
درایت نباشد .

از این سؤال و جواب رنگ چهره رمانی دگرگون  
شد و شرمگین گشت و دیگر چیزی نگفت و سپس وارد  
خانه خود شد ، نامه ای نوشت، در آنرا بست و بشیخ داد و

گفت این نامه را نزد کسی که بدو اتصال داری برسان (مقصود  
شیخ ابو عبدالله حسین بن علی بصری معروف به «جعل» است  
که از شیوخ علمای معتزله آن زمان بوده است).

گویند چون ابو عبدالله جعل آن نامه را مطالعه کرد  
تبسمی نمود و جریان را از شیخ سؤال کرد . شیخ داستان  
را برای استاد خود بیان کرد. جعل گفت رمانی در این نامه  
هوش و فطانت تو را تحسین کرده و تو را بلقب مفید ملقب  
ساخته است. (۱۶)

در کتاب مجالس المؤمنین به نقل از کتاب مصابیح  
القلوب حکایت این قصه از شیخ مفید باقاضی عبدالجبار  
شیخ معتزله (۱۷) و بوجهی دیگر آمده است: پس از آنکه  
سؤال و جواب بین شیخ و قاضی پایان میرسد قاضی مبهوت  
می شود و دیگر پاسخی نمیگوید ساعتی سرش را فرومی افکند  
سپس سر بلند می کند و می پرسد تو کیستی ؟ شیخ پاسخ  
می دهد خادم تو محمد بن محمد بن النعمان الحارثی ؛ قاضی  
از جای خود برمیخیزد و دست شیخ را می گیرد و بر مسند  
خود می نشاند و می گوید : **انت المفید حقاً .**

در این وقت رنگ چهره علمائی که در آن مجلس حضور  
داشته اند دگرگون می شود ، و چون قاضی چنین می بیند  
می گوید:

ای فضیلتی علما این مرد چنان از من سؤال کرد که  
من از پاسخ بدو عاجز ماندم اگر هر کدام از شما توانستید  
اورا مجاب کنید من او را از این مقام بر میدارم و بجای اولش  
می نشانم .

گویند چون مجلس بهم خورد این داستان منتشر  
گشت و ماجری به سمع عضدالدوله رسید، عضدالدوله او را

۱۵- معالم العلماء صفحه ۱۰۱ چاپ تهران .

۱۶- نقل از مستطرفات السرائر، چاپ ایران سال ۱۲۷۰ هـ.

۱۷- عبدالجبار بن احمد بن عبدالجبار الهمدانی الاسدآبادی ابوالحسین : وی قاضی اصولی بوده و شیخ معتزله در زمان خود  
و مدتی در ری منصب قضاة داشته و در همانجا به سال ۴۱۵ هـ قمری وفات یافته است و برا تصانیف بسیار است.

۱- کرام تمام نمود و خلعتی گران بها با سبی ساخته و زینت شده برای شیخ فرستاد و برای وی وظیفه‌ای مقرر داشت (۱۸) اساتید و مشایخ مفید:

شیخ مفید در محضر جمع بسیاری از اساتید و دانشمندان علوم عقلی و نقلی زمان خود کسب فیض و تلمذ نموده و از آنان اخذ حدیث و نقل روایت کرده است تا از نوادر دهر و آیتی بزرگ از آیات الله گردیده و خداوند برای خلاص بندگان خود از هلاکت جهل و گمراهی بوسیله این مرد بزرگ بر تمام مسلمانان منت نهاده و ویرا برانگیخت که در چشم دشمنان خاری باشد و توشه نیازمندان و طالبان راه حق و حقیقت را باری.

مشایخ مفید از دانشمندان شیعه و غیر ایشان بالغ بر پنجاه نفر میشوند که این مختصر گنجایش ذکر تمامی آنها را ندارد و صاحب مقدمه بحار الانوار چاپ جدید ۵۹ تن از آنان را نام میبرد.

وما اینک بطور اختصار بذکر نام چند تن از مشاهیر استادان شیخ زرگوار می‌پردازیم.

۱- شیخ جلیل جعفر بن محمد بن قولویه قمی (متوفی بسال ۳۶۸ هجری قمری).

۲- شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن باویه قمی. (متوفی بسال ۳۸۱ هجری قمری)

۳- ابو الحسن احمد بن محمد بن حسن بن ولید قمی

۴- قاضی ابو بکر محمد بن عمرو بن سلام الجعابی

۵- ابن جنید اسکافی. ابو علی محمد بن احمد بن الجنید اسکافی (متوفی بسال ۳۸۱ هجری) از بزرگان متکلمین امامیه.

۶- محمد بن عمران المرزبانی صاحب «معجم الشعراء» و «اخبار المتکلمین» (۲۹۷-۳۷۸ هجری).

۷- ابو عبد الله حسین بن علی البصری معروف به «جعل» و ملقب به «کاغذی» (۳۹۹ هجری)

۸- علی بن عیسی الرمانی. (دو شخص اخیر الذکر از شیوخ معتزله می‌باشند). و دیگر بزرگان آن زمان در خاتمه مستدرک الوسایل (ج ۳ صفحه ۵۲۰) تألیف شیخ بزرگوار نوری نام بسیاری از آنان ذکر شده است. شاگردان نخبه مفید:

شاگردان مفید و کسانی از فریقین که از وی روایت می‌کرده‌اند بسیارند و صاحب مقدمه بحار الانوار تا آنجا که توانسته و تتبع نموده از پانزده شخص نام برده است و صاحب مستدرک الوسایل نیز در خاتمه آن کتاب (جلد ۳ صفحه ۵۲۰ و ۵۲۱) نام جمعی از آنان را ذکر کرده است. همین قدر می‌دانیم که شاگردان شیخ هر یک در عصر خود در علم فقه و آثار و کلام از اعلام و استادان ماهر بوده‌اند از جمله:

شیخ ابو جعفر طوسی. شریف مرتضی و برادرش شریف رضی؛ ابو الفتح کراجکی و ابو العباس نجاشی و دیگران.

و بنا بر آنچه ابن حجر عسقلانی در «لسان المیزان» ذکر کرده: «... وی (مفید) بر گردن تمام پیشوایان شیعه امامیه (بعد از خود) حق دارد...» معلوم می‌گردد که باید کلیه پیشوایان و زعماء شیعه را بعد از مفید شاگرد مکتب او بدانیم خاصه در علم کلام.

### آثار شیخ مفید:

شیخ مفید در موضوعات گوناگونی که طبیعت زمانش نیازمند آن بود تألیفات بسیاری بوجود آورد و اغلب آنها در باب اصول عقاید و علم کلام و رد و نقوضی که منعکس کننده روح زمانی است که وی در آن میزیست و

۱۸- مجالس المومنین از قاضی نورالله شوشتری متوفی بسال ۱۰۱۹ هجری جلد ۱ صفحه ۴۶۴ چاپ ایران سال ۱۳۷۵ هجری.

نمایشگر آشکارترین دوره انقلاب فکر و عقیده‌ای است که جدالها و نزاعهای دینی و مناظرات مذهبی در آن رواج داشته است. بنا بر این در روزگاری که سرزمین بغداد نمایشگاه انواع مختلف آراء و عقاید و نزعات و مذاهبی بوده که پیوسته با آزادی مطلق بایکدیگر در حال مناقشه و جدال بسر می بردند تا آنجا که ملحدین و زنادقه نیز از آزادی بحث و انتقاد برخوردار بودند.

در آن هنگامه بر ابو عبدالله مفید که ریاست علمی و فکری دینی شیعه امامیه را داشت واجب می آمد که بانیروی علمی متحرکی که داشت و فکر روشنی که خداوند بدو عطا فرموده بود در برابر زعمای سایر مذاهب و فرق به معارضه برخیزد:

بنابراین در پیشر تألیفات و آثار ارجمند مفید روح جدل و مناظره با روح دفاع از عقاید شیعه بخوبی آشکار است و بدین خصیصه آثار او از دیگر مؤلفات دانشمندان پیش از وی ممیز گشته است.

کتاب و رسالات کوچک و بزرگ وی - بنا بر نقل صاحبان کتب رجال و تراجم احوال و فهرستهای کتب بالغ بر دوست کتاب می شود. مباحث و موضوعات مهمی که در آنها مورد بررسی قرار گرفته عبارت است از:

- ۱- اصول دین و عقاید؛
- ۲- موضوعات کلامی خاص؛
- ۳- مسأله امامت و مباحث مربوط به آن؛
- ۴- رد بر مخالفین در باب امامت؛
- ۵- رد بر جماعت متکلمین در مسائل مختلف کلامی؛
- ۶- رد بر کتب جاحظ و نقض بر آنها؛
- ۷- درباره مقالات و مذاهب؛
- ۸- درباره فقه و مسائل مربوط به آن؛
- ۹- در اصول فقه؛
- ۱۰- در علوم قرآن؛

۱۱- در مناظرات؛

آثار گرانبهای مفید از دستبرد پیش آمدهای روز - گار امان نیافته و از آنهمه جز اندکی برای ما باقی نمانده است.

اهم تألیفات موجود از وی عبارت است از:

- ۱- کتاب «اوائل المقالات فی المذاهب المختارات» این کتاب به سال ۱۳۶۴ هجری قمری در تبریز با تعلیقات و مقدمه علامه آقا شیخ فضل الله زنجانی بچاپ رسیده است؛
- ۲- شرح عقائد الصدوق یا «تصحیح الاعتقاد» این کتاب نیز در سال ۱۳۶۴ هجری قمری با تعلیقات و مقدمه علامه بزرگوار سید هبة الدین شهرستانی در تبریز به زیور طبع آراسته شده است؛
- ۳- «کتاب الارشاد» این کتاب چندین چاپ خورده و آخرین چاپ آن در اصفهان به سال ۱۳۶۳ هجری قمری بوده است.
- ۴- «کتاب الرد علی الجاحظ و العثمانیة»؛
- ۵- «کتاب نقض المروانیة»؛
- ۶- «کتاب نقض فضیلة المعتزلة»؛
- ۷- «کتاب المسألة الکافیة فی ابطال عقوبة الخاطئة»؛
- ۸- «کتاب النقض علی ابن عباد» فی الامامة؛
- ۹- «کتاب النقض علی بن عیسی الرمانی» المعتزلی؛
- ۱۰- «کتاب النقض علی ابی عبدالله البصری» المعروف به «جعل» متوفی به سال ۳۹۹ هجری قمری؛
- ۱۱- «مصایح النور»؛
- ۱۲- «کتاب اصول الفقه»؛
- ۱۳- «کتاب الاشراق»؛
- ۱۴- «کتاب الرد علی اصحاب الحلاج»؛
- ۱۵- «کتاب النقض علی ابن جنید» در اجتهاد رأی؛
- ۱۶- الافصاح فی الامامة،
- ۱۷- «الرسالة المقنعة» فی الفقه؛
- ۱۸- «الارکان من دعائم الدین»؛



مثلاً به جای عبارت «فان قلت» کلمه «سؤال» قرار داده و آن را در پنج فصل به ترتیب ذیل مرتب نموده است:

۱ - معرفت‌الله و صفاته ۲ - العدل ۳ - النبوة ۴ - الامامة ۵ - المعاد .

دیگر کتب و تألیفات مفید که تمامی آنها بر دو دست کتاب افزون است که در اعیان الشیعه و رجال نجاشی، فهرست شیخ طوسی، و خلاصه علامه حلی، و رجال ابوعلی موسوم به منتهی المقال ذکر بسیاری از آنها رفته است.

در تهیه این مقاله از کتب ذیل استفاده شده است:

۱ - اعیان الشیعه جلد ۶ صفحه ۲۰ - ۲۶  
 ۲ - منتهی المقال صفحه ۲۹۱ - ۲۹۲  
 ۳ - مقدمه اوائل المقالات بقلم شیخ فضل‌الله زنجانی صفحه ۱۲ - ۲۹ .

۴ - رجال نجاشی صفحه ۳۱۱ چاپ تهران مصطفوی  
 ۵ - کتاب فلاسفة الشیعه تألیف علامه شیخ عبدالله نجفی .

۶ - فهرست شیخ طوسی صفحه ۱۸۶ و ۱۸۷ چاپ نجف سال ۱۳۸۰ هـ .

۷ - رجال شیخ طوسی صفحه ۵۱۴ چاپ نجف سال

۸ - فهرست ابن‌الندیم صفحه ۳۶۶ و ۲۹۳ چاپ مطبعة الاستقامة قاهره .

۹ - تنقیح المقال تألیف حاج شیخ عبدالله ما مقانی

چاپ نجف جلد سوم صفحه ۱۸۰ - ۱۸۱ شماره ۱۳۳۷

۱۰ - رجال سید بحر العلوم معروف به «فوائد الرجالية» جلد ۳ صفحه ۳۱۱ - ۳۲۳ چاپ نجف مکتبة العلمین الطوسی و بحر العلوم .

- ۱۹ - «الایضاح» ؛  
 ۲۰ - «المجالس» . (۱۹) ؛  
 ۲۱ - «مسألة فی الارادة» ؛  
 ۲۲ - «مسألة فی الاصلح» ؛  
 ۲۳ - «الموضح فی الوعید» ؛  
 ۲۴ - «الكلام فی الانسان» ؛  
 ۲۵ - «الكلام فی المعدوم» ؛  
 ۲۶ - «جوابات نقض خمس عشرة مسألة علی البلخی» ؛  
 ۲۷ - «نقض الامامة علی جعفر بن حرب» ؛  
 ۲۸ - «جوابات ابن نباته» ؛  
 ۲۹ - «جواب الفيلسوف فی الاشرار» ؛  
 ۳۰ - «الكلام علی الجبائی فی المعدوم» ؛  
 ۳۱ - «الرد علی ابن کلاب فی الصفات» ؛  
 ۳۲ - «نقض کتاب الامم فی الامامة» ؛  
 ۳۳ - «جوابات اللطیف من الکلام» ؛  
 ۳۴ - «الرد علی الخالدين فی الامامة» ؛  
 ۳۵ - «حدوث القرآن» ؛  
 ۳۶ - «الكامل فی الدين» ؛  
 ۳۷ - «الرد علی ابن عون فی المخلوق» ؛  
 ۳۸ - «العهد فی امامة» ؛  
 ۳۹ - «عمدة مختصرة علی المعترلة فی الوعید» .  
 ۴۰ - «الكلام فی ان المكان لا یخلو من متمكن» .  
 ۴۱ - «المقالات» .  
 ۴۲ - «کتاب الامالی» این کتاب در نجف، به سال ۱۳۵۱ هجری قمری در مطبعة حیدریه چاپ شده است.  
 ۴۳ - «النکت الاعتقادیة» . این کتاب نیز بوسیله علامه بزرگوار سید هبة‌الدین شهرستانی به سال ۱۳۴۳ هجری قمری به چاپ رسیده لیکن عناوین آن را تغییر داده

۱۹ - از دو کتاب «الایضاح و المجالس» شریف مرتضی کتاب «الفصول المختارة» تألیف نموده که به سال ۱۳۶۱ هجری قمری در دو جزء در نجف بچاپ رسیده است .